

متن پرسش

سلام علیکم استاد جان: بعضی افراد این شبهه را مطرح می‌کنند که امام خمینی از اول موافق جمهوریت نبودند و حتی با بیان ولایت مطلقه فقیه مخالفت خودشون رو با جمهوری ابراز کردند! اما بالاخره تحت جوی که آن زمان وجود داشت جمهوریت را هم پذیرفتند! اگر مردم همان اول انقلاب بر حکومت اسلامی پافشاری می‌کردند، این مشکلات ناشی از انتخاب مردم به وجود نمی‌آمد! مگر امام واقعا راضی بودند بازرگان نخست وزیر شود؟ از نظر شما جواب این شبهه چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: درست قضیه بر عکس آن است و آن کسی که با بصیرت تاریخی خود بیش از همه بر جمهوریت تأکید داشتند، حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» بودند. کمی به جملاتی که ذیلاً از ایشان در همان اوایل انقلاب مطرح شد؛ بیندیشید تا ملاحظه شود آن مرد چه اندازه به معنای واقعی، متوجه مردم و جمهوریت بودند. موفق باشید

حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» در جلسه‌ای که سال ۵۸ با اعضای مجلس خبرگان داشتند فرمودند: من سفارش می‌کنم به آنهایی که خدای نخواستہ یک آرایی دارند بر خلاف مسیر ملت، من سفارش می‌کنم به آنها، که طرحشان را و آرایشان را بگذارند برای یک وقت دیگری و یک وقتی دیگری این کارها را بکنند، حالا وقت این نیست که آرائی که خلاف مسیر ملت است اظهار بکنند و حیثیت خودشان را در بین ملت از بین ببرند. من میل ندارم حیثیت آقایان از بین برود در بین ملت. اگر در این مجلس یک چیزهایی و یک حرفهایی زده بشود که برخلاف مسیر ملت است، اینها وجاهت خودشان را از بین ملت می‌برند و خدای نخواستہ بعدها برایشان خیلی نفع ندارد. همان مسیری که ملت داشتند، همین چیزی که اگر می‌خواهید مطابق با میل خودتان دمکراسی عمل بکنید، دمکراسی این است که آراء اکثریت، و آن هم این طور اکثریت، معتبر است؛ اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است ولو به خلاف، به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویید که این به ضرر شماست ما نمی‌خواهیم بکنیم. شما وکیل آنها هستید؛ ولی آنها نیستید. بر طبق آن طوری که خود ملت مسیرش هست. شما هم خواهش می‌کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقتی یک چیزی را طرح بکنند که این طرح برخلاف مسیر ملت است، طرحش نکنند از اول، لازم نیست، طرح هر مطلبی لازم نیست. لازم نیست هر مطلب صحیحی را اینجا گفتن. شما آن مسائلی که مربوط به وکالتتان هست و آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر راه را بروید، ولو عقیده تان این است که این

مسیری که ملت رفته خلاف صلاحش است. خوب، باشد. ملت می خواهد این طور بکند، به ما و شما چه کار دارد؟ خلاف صلاحش را می خواهد. ملت رأی داده؛ رأیی که داده متَّبِع است. در همه دنیا رأی اکثریت، آن هم یک همچو اکثریتی، آن هم یک فریاد چند ماهه و چند ساله ملت، آن هم این مصیبت‌هایی که ملت ما در راه این مقصد کشیده اند، انصاف نیست که حالا شما بیاپید یک مطلبی بگویید که برخلاف مسیر است. یعنی انصاف نیست، که نمی شود هم، پیش نمی رود. اگر چنانچه یک چیزی هم گفته بشود، پیش نمی رود؛ برای اینکه اولاً مخالف با وضع وکالت شما هست و شما وکیل نیستید از طرف ملت برای هر چیزی. و ثانیاً بر خلاف مصلحت مملکت است، برخلاف مصلحت ملت است؛ برخلاف مصلحت خود آقایان است. (صحیفه امام، ج ۹، ص: ۳۰۴)